

■ **سمنانه صادقی**

روز‌هایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز درگذشت زنده‌یاد حبیب‌الله عسگر اولادی، یار دیرین انقلاب و نظام اسلامی است. هم از این روی در گفت‌ووشنود با علیرضا عسگر اولادی فرزند آن مرحوم، فرزهایی از منش فردی و اجتماعی وی را مورد بازخوانی قرار داده‌ایم. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

فکر می‌کنم که بهتر باشد این گفت‌وشنود را با مرور بخش‌هایی از سیریه فردی مرحوم عسگر اولادی آغاز کنیم. شیوه ایشان در ایجاد و تحکیم مراده صمیمی بین اعضای خانواده چگونه بود و چطور مشکلات میان آنان را حل می‌کردند؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. حضرت ابوی برای حل اختلافات و صمیمیت و تحکیم بین اعضای خانواده که در مواردی مثل دوقطب آهن‌با بودند و روش‌های متفاوتی داشتند، بسیار تلاش می‌کردند چراکه مرحوم ابوی همواره به رعایت اخلاق اسلامی و تأسی از خلق محمدی(ص) و ائمه اطهار و سیره این بزرگواران در بین خانواده و جامعه شهره بودند.ایشان علاوه بر آنکه در هفته یک روز را به کل خانواده اختصاص داده بودند، در سفرهایی که برایشان پیش می‌آمد گاهی خانواده را هم با خود همراه می‌کردند تا انسجام دو طیف فرزندان که از دو مادر بودند، حفظ شود. همانطور که می‌دانید من و دو برادرم از همسر اول و شهیده ایشان و مابقی از همسر بعدی ابوی هستند.

انس مرحوم عسگر اولادی با قرآن تاریخچه طولانی دارد. در این باره شخصاً چه خاطراتی دارید؟

همانطور که اشاره کردید انس ایشان با قرآن سابقه طولانی دارد و نقطه آغاز این انس به دوران کودکی و نوجوانی برمی‌گردد. حضرت ابوی در آن دوران در حین فراگیری علم و دانش، با قرآن مانوس می‌شوند و در هیئت و مساجد به ترویج قرآن می‌پردازند. ایشان پس از آنکه در دوران مبارزاتشان علیه رژیم طاغوت، دستگیر و زندانی می‌شوند، علاوه بر فراگیری علوم فلسفه و منطق، به تحصیل علوم حوزوی هم می‌پردازند. در همین راستا با آنسی که از طفولیت به قرآن داشتند، از فرصت‌های درون زندان استفاده نموده، به تفسیر آیات قرآن و گردآوری مجموعه‌ای از داستان‌های پیامبران نیز پرداختند. حضرت ابوی علاوه بر این پس از آزادی از زندان اقدام به برپایی کلاس‌های تفسیر قرآن هم نمودند. حتی مرحوم سلحشور در سریال یوسف پیامبر از تفسیر حضرت ابوی استفاده کردند.البته بعد از فوت ابوی مجموعه جزوات و نگارشات‌شان را به قم ارسال کردیم که حضرات آیات با عنایت به موضوع و حساسیت آن برای نشر تفسیر آیات قرآنی ایشان جوابیه بدهند.

گریزشات و میزان مطالعات ایشان در طول شبانه‌روز چقدر بود؟

ایشان علاوه بر مشغله فراوان و فعالیتی که در تشکل‌های اصولگراییه به‌عنوان لیدر داشتند، مسئول نشریه و روزنامه هم بودند، بنابراین بعضی اوقات هفتگی و گاهی روزانه، براساس شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روز، مصاحبه‌هایی ترتیب می‌دادند و مقالاتی می‌نوشتند که بعضی از آنها نیاز به مطالعه و پژوهش داشت. از طرفی کلاس‌های تفسیر قرآن کریم، اخلاق اسلامی، اخلاق عملی، تاریخ انقلاب اسلامی و تشکلات‌ها و احزاب در ایران هم در طول هفته بود که اطلاع‌ات شخصی ایشان نیاز به مطالعه جدی و مستمر داشت. میزان مطالعات ایشان هم در طول شبانه‌روز بسته به نوع موضوعات، متفاوت بود، اما هیچ وقت ساعات مطالعاتشان ترک نمی‌شد. ابوی علاوه بر مطالعات قرآنی و اخلاقی و معرفتی و تاریخ اسلام و تاریخ معاصر، مطالعات دیگری نیز به صورت عمومی انجام می‌دادند. بجملاًها با توجه به برنامه‌ریزی‌های ابوی و نیت خیرشان، خوانده به ایشان توفیق خدمت می‌داد و ایشان هیچ‌وقت از این فشار کاری احساس خستگی نمی‌کردند.

میزان حساسیت ایشان در سلامت اقتصادی خانواده تا چه حد بود؟

حساسیت ایشان نسبت به سلامت اقتصاد خانواده بسیار شدید بود و خیلی در این زمینه مراقبت می‌کردند، لذا به خاطر همین حساسیت و دقتی که در این خصوص نسبت به خانواده داشتند، بجملاًالله در جامعه اخباری مبنی بر عدم سلامت اقتصادی حضرت ابوی و خانواده ایشان شنیده نمی‌شود؛ چون اگر کوچک‌ترین مسئله‌ای در این زمینه وجود داشت، دشمنان هر لحظه از آن سوءاستفاده می‌کردند. پانکی و صداقت رفتار و گفتار و امانتداری ایشان علاوه بر اینکه در زمان حیاتشان از سوی حضرت امام(ره) و مقام‌معلم رهبری مورد تأیید بود، طی این هفت سال که از رحلتشان می‌گذرد، نیز همچنان بزبانزد مردم شریف ایران است.

بسیاری مرحوم عسگر اولادی را در زمره سرمایه‌داران بزرگ تلقی می‌کردند. میزان ثروت ایشان پس از درگذشت چقدر بود؟

اولاًاگر کسی سرمایه داشته باشد، خیلی خوب است؛ چون این سرمایه متعلق به این کشور است و مجازاً در اختیار او و خانواده‌اش قرار گرفته است. اما آنچه باید دقت شود، این است که تسهیل این سرمایه از چه راهی انجام گرفته و در چه راهی خرج می‌شود؛ چون گاهی نحوه خرج این سرمایه و دارایی ممکن است ماهیت اصل سرمایه یا شخصی که سرمایه دارد را زیر سؤال ببرد. بنابراین لزوماً خود آن سرمایه و سرمایه‌دار، ذاتاً برای کشور زیان ندارند و حتی می‌توانند موجب تعالی اقتصادی و معیشت مردم هم بشوند، اما اینکه چرا برخی افراد به اشتباه می‌گویند حضرت ابوی در زمره سرمایه‌داران بوده، به دو دلیل است: اول اینکه ابوی برادری داشتند بنام حاج عبدالله که سال قبل فوت کردند. این برادر از نوجوانی با تلاشی بی‌وقفه به تحصیل علم و تجارت و زبان خارجی پرداخت و کم‌کم در جوانی موفق به ایجاد یک تجارخانه شد. پس از آن



«جلوه‌هایی از منش فردی و اجتماعی زنده‌یاد حبیب‌الله عسگر اولادی»

در گفت‌وشنود با علیرضا عسگر اولادی

پدر در پی جبران خسارت‌ها و عذرخواهی فتنه‌گران از رهبری و مردم بود

هم به واسطه پشتکار، همت، هوش و توانمندی صحیحی که در تجارت خارجی داشت، توانست به یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران ایران و جهان مبدل شود.ایشان تمام عمر خود را مصروف این خاستگاش کرد و موفق هم شد. پس آن سرمایه‌دار به نام عسگر اولادی ایشان است و نه خنجر می‌شوند. در آن دوران حتی پول برنج ایشان را هم مردم به صورت قسط پرداخت می‌کردند. پس از دستگیری ابوی توسط رژیم ستمشاهی و زندانی شدنشان، همین اموال هم مصادره می‌شود. لذا نسپس از آزادی از زندان که قریب ۱۴ سال طول کشیده بود، هیچ‌گونه امکان کاری برای ابوی وجود نداشته است. اما از آنجا که در آن دوران بر برادرشان یک شرکت تجاری بابت خداوند را در همه حال شاکر بودند.

وضعیت اقتصادی خانواده پدر در دوران کودکی ایشان چگونه بود؟

پدر مرحوم ابوی در دوران طفولیت و نوجوانی ایشان در دماوند ورشکست شده بودند. حضرت ابوی هم در بدو نوجوانی به خاطر زلزله‌های متعدد آن زمان در منطقه دماوند، به همراه برادرشان تصمیم می‌گیرند به تهران بیایند. این دو برادر از همان ابتدای ورود به تهران مسیر زندگی خود را مشخص می‌کنند. مرحوم ابوی راه تدین، تقوا، معرفت، اخلاق و مبارزه با ظلم سیستم حاکم را انتخاب کرده و از راه تجارت در بازار تنها برای گذران زندگی در حد متعارف استفاده می‌کنند. همانطور که اشاره شد ایشان در طول دوران حیاتشان اصلا در پی جمع‌آوری ثروت و مال دنیا نبودند و فقط به کسب معرفت و خدمت به جامعه و نجات آن می‌اندیشیدند. برادر کوچک ایشان نیز پس از ورود به تهران، تحصیل علم و تجارت را در پیش می‌گیرند که البته با تلاش مجدانه و توانمندی خود نهایتاً به خواسته‌شان می‌رسند و به یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران ایران و جهان تبدیل می‌شوند.

در خصوص فعالیت‌های اقتصادی پیش از انقلاب پدرتان، کمی بیشتر توضیح دهید.

حضرت ابوی ابتدا در نوجوانی و جوانی چند جایی در بازار تهران و نیز در تجار معروف مشغول به تحصیل‌اند می‌شوند. ابوی از همان زمان به خاطر امانتداری و سز نگهداری افراد و اخلاق اسلامی و خوش‌خلقی‌شان در بازار تهران شهرت پیدا می‌کنند. از طرفی در



میر حسین موسوی به عنوان نخست‌وزیر کشور از خود اراده چندانی نداشت و به خصوص در مسائل اقتصادی از وزیرش بهزاد نبوی – که افکار کوبونیستی داشت – فرمان می‌برد! علاوه بر این، نبوی دخالت‌های بی‌موردی در حوزه مسئولیت پدر می‌کرد و روش‌های غیر متعارفی را برای حل مسائل به کار می‌گرفت! در این باره، پدر با موسوی مذاکراتی داشتند که نهایتاً بی‌نتیجه ماند! اساساً او با اینکه خانواده‌اش بازاری بودند، با همراهی بهزاد نبوی و در مخالفت با بازار، اقداماتی صورت می‌دادند که به نفع مردم نبود

هم فرمودند: «از آنجایی که نمی‌شود در وضعیت کنونی دولت تضعیف شود، باید هر یک از افرادی که واقعاً نمی‌توانند با روش آقای موسوی کار کنند، بیرون بروند و الباقی بمانند.» این فرمان حضرت امام(ره) سبب ایفای میرحسین موسوی و تمکین رئیس‌جمهور وقت از او شد تا غائله ختم به خیر شود. اما حضرت ابوی با توجه به دلایلی که داشتند از وزارت بازرگانی استعفا دادند. حضرت اسام(ره) هم از خدماتی که ایشان در سمت داشتند، تقدیر کردند.

از موضع ایشان در جریان فتنه ۸۸ چه خاطراتی دارید و چه شد که ایشان در سال پایانی حیات تصمیم گرفتند که فتنه‌گران را به بازگشت به ساحت نظام دعوت کنند؟

در ارتباط با ورود حضرت ابوی در سال‌های پایانی حیات شریفشان در جریان فتنه ۸۸ باید بگویم بنده خود شاهد بودم که در مراسم‌ها یا جلسات مختلف، بارها اطرافیان از مرحوم ابوی سؤال می‌شد و حتی خواسته می‌شد برای کمک به رهبری و حل اختلافات و چنددستگی که در جامعه به‌وجود آمده و موجب سوءاستفاده دشمن شده، کسی نمی‌خواهد پیشقدم شود و کاری انجام دهد؟! لذا وقتی از گوشه و کنار افرادی خود را حامل پیام عذرخواهی این افراد و بازرگمشان به آغوش نظام معرفی کردند و از رهبری معظم و مردم شریف ایران خواستار بخشش آنها شدند، حضرت ابوی به عنوان یک شخصیت سیاسی- مذهبی سا تدبیر، برای اینکه در این موضوع گرفتار توطئه این فتنه‌گران نشوند، با هماهنگی و اجازه رهبری به این مسئله ورود کردند. حضرت ابوی در واقع چون مرد وظیفه و تکلیف بودند با تصور دیگری بسه موضوعات نگاه می‌کردند و حل این مسئله را وظیفه خود می‌دانستند. لذا عملیات ایشان خیلی دقیق بود، اما به لطف خدا با اینکه حضرت ابوی دو عدد گلوله به دستشان و یکی از همراهانشان هفت گلوله به بدنش اصابت نمود، هر دو نجات یافتند و به بیمارستان منتقل شدند. از همانجا هم مرحوم ابوی پیام دادند که هر کس به بنده می‌خواهد رأی بدهد، بداند که بنده خودم به آقای رای خواهم داد.

از کناره‌گیری پدر از کابینه میرحسین موسوی چه خاطراتی دارید؟

کناره‌گیری مرحوم ابوی از کابینه میرحسین موسوی، دلایل بسیاری داشت. او به عنوان نخست‌وزیر ایران از خود اراده چندانی نداشت و به خصوص در مسائل اقتصادی از وزیرش بهزاد نبوی – که افکار کوبونیستی داشت- فرمان می‌برد. بهزاد نبوی هم علاوه بر اینکه دخالت‌های بی‌موردی در امور می‌کرد، روش‌های غیرمتعارفی را برای حل مسائل به کار می‌گرفت. در این رابطه مرحوم ابوی به عنوان وزیر بازرگانی وقت با مهندس موسوی مذاکراتی کردند که نهایتاً بی‌نتیجه ماند؛ چراکه روش‌ها و افکار ایشان با یکدیگر مغایرت داشت. اساساً میرحسین موسوی با اینکه خانواده‌اش بازاری بودند، در مخالفت با بازار به همراه بهزاد نبوی اقداماتی می‌کرد که در نهایت به نفع مردم نبود. از طرفی آن زمان به واسطه اختلافاتی که میان رئیس‌جمهور وقت(مقام معظم رهبری) و نخست‌وزیر پیش آمد، وزرا به دو دسته تقسیم شدند. به طوری که مرحوم ابوی یکی از فعال‌ترین عناصر خندوم کشور چه به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و در رهبری گروه‌های متعدد، دارای منطق و اصول بودند. ایشان همچنین در کسوت نمایندگی مجلس شورای اسلامی و سپس وزیر بازرگانی و دیگر مراتب عالی نظام به طور مؤثر فعالیت می‌کردند. در آن سال با افشای ماهیت افکار و اهداف منافقین و همچنین بنی‌صدر و گروه‌های مخالف نظام اسلامی مثل

گفت‌وگو

کفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۲۷

۶ روزه‌یاد حبیب‌الله عسگر اولادی در اقتدار به رهبر معظم انقلاب



حالت‌کما به سر بردند تا اینکه جان به جان آفرین تسلیم نمودند. اگر ایشان مدت بیشتری در قید حیات بودند، گفته خویش در خصوص این گروه برانداز و فتنه‌گران را انجام می‌دادند، اما اجل مجال نداد و ایشان به دیار باقی شتافتند.

از پیشینه و نوع روابط ایشان با رهبر معظم انقلاب چه خاطراتی دارید؟

آشنایی حضرت ابسوی با رهبر معظم انقلاب به دوران پیش از پیروزی انقلاب برمی‌گردد؛ چراکه هر دوی این بزرگواران در جریان مبارزات پیش از انقلاب خود دستگیر می‌شوند و به زندان می‌افتند و آنجا با هم آشنا می‌شوند. بعد از پیروزی انقلاب هم برای انسجام نیروهای انقلابی در تشکل‌های آن روزها، جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی تشکیل می‌شود که این دو عزیز در آنها حضور داشته‌اند. از طرفی این دو بزرگوار در سمت‌هایی که برای خدمت‌رسانی به جامعه بر عهده داشتند، از حیاط صمیمانه‌ای میانشان برقرار بوده است. حتی در زمان ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای، ابوی آینده اسلام و مسلمین را در حفظ وجود ایشان می‌دانستند. سخنان رهبری در چهلمین روز درگذشت حضرت ابوی بهترین راوی روابط فی‌مابین این بزرگواران است. معظم‌له در آن دیدار به شاخصه‌هایی نظیر اخلاق، معرفت، تدین، انصاف، خستگی‌ناپذیری و مبارز صادق بودن ابوی اشاره داشتند که خود گویای شناخت کامل ایشان از مرحوم ابوی است. خداوند ایشان را تا ظهور مولایمان حفظ بفرماید.

از ت‌رور مقام معظم رهبری و دوران مجروحیت ایشان و ملاقات‌های پدر در آن دوره، چه خاطراتی دارید؟

به خاطر دارم در دورانی که رهبر معظم انقلاب به جهت ترور منافقین در بیمارستان بستری بودند، بنده در یکی از دیدارهای ابوی همراهشان رفتم. در آن دیدار بدون توجه به مجروحیت دستان مبارک ایشان، طبق معمول جلو رفتم و دستم را دراز کردم که دست ایشان را بگیرم و سپس بیوسم، به دلیل توجه نداشتن به مجروحیت و جانبازی دست ایشان، قدری دست را فشردم و برای بوسیدن کشیدم و جلو آوردم که ناگهان متوجه ناراحتی معظم‌له شدم. آن لحظه کلی خجالت کشیدم که به دلیل ناآگاهی و عدم دقت باعث ناراحتی ایشان شده‌ام. از سوی دیگر با نهیب حضرت ابوی روبه‌رو شدم که حضرت آقا فرمودند: مسئله‌ای نیست، ناراحت نشوید. لذا دست دیگر ایشان را بوسیدم که با محبت و لطف مقام معظم رهبری انجام شد.

از دوران بیماری و بستری شدن و رحلت پدر چه خاطراتی دارید؟

در خصوص بیماری و عمل قلب حضرت ابوی، پیش‌تر دکترها گفته بودند رسک عمل قلب باز برای ایشان باالاست و ممکن است برگشتی نداشته باشند لذا عمل قلب باز انجام نمی‌دهیم! ولی وقتی عمل آنژیو برای ابوی جویواب نداد، دکترها تصمیم به عمل قلب باز برای ایشان گرفتند. حضرت ابوی وقتی متوجه عدم برگشت از عمل شدند، از خانواده درخواست کردند که برایشان تصمیم و لباس و کفششان جویواب نداد، بلکه برای محرومان و مستضعفان کشور می‌تهید. البته این کار با توجه به شرایط بیماری ایشان امکان‌پذیر نبود، لذا عمل انجام شد ولی ایشان بعد از عمل به کما رفتند و چند روز نیمه‌هوش بودند. ابوی وقتی به هوش آمدند از افرادی که کارها در اختیارشان بود درخواست کردند که به دیدارشان بیایند. ایشان در آن ملاقات با اینکه برای حل موضوعات متوجه مؤکد کردند و بعد از آن هم به رحمت خدا رفتند. از آنجایی هم که ایشان عاشق ائمه اطهار به خصوص حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) بودند، در شب اول محرم به رحمت خدا رفتند.

تا کنون مطابق با جایگاه معنوی و سوابق سیاسی مرحوم عسگر اولادی اقدامات فرهنگی و پژوهشی انجام گرفته‌است؟

ابوی این ملاقات‌ها را به صورت مجزا و در محل حضر خانگی افراد انجام دادند. حضرت ابوی وقتی با میرحسین موسوی ملاقات می‌کند حین صحبت‌هایشان می‌بینند افرادی جمع شدند و علیه ابوی و نظام شعار می‌دهندا همانجا مرحوم ابوی رو به مهندس موسوی می‌کند و می‌گوید: «آقای موسوی! تا زمانی که این اوضاع اینطور است و این افراد کنار شما هستند، کار برگشت و عذرخواهی شماها صورت نمی‌گیرد.» همین اقدام در زمان ملاقات حضرت ابوی با آقای کروسی هم صورت می‌گیرد و با اینکه خود آقای کروبی در خواست ملاقات با ابوی را داده بودند، در اقدامی مشابه افرادی شروع به شعار دادن می‌کنند. مرحوم ابوی به ایشان هم می‌فرماید: «تا موقعی که اینطور برخورد شود، راهی برای عذرخواهی برای شما نمی‌ماند. باید چنین شرایطی را برچینید تا موضوع حل گردد.» لذا همانجا فرصتی را برای بازگویی رفتار و برگشتشان تعیین می‌کنند واز آنها می‌خواهند که از فرصت پیش آمده برای عذرخواهی و برگشت به آغوش نظام استفاده نمایند تا دچار خسران نشوند، ولی متأسفانه در فاصله کوتاهی، ایشان دچار بیماری قلبی و راهی بیمارستان شدند. بعد هم به مدت دو ماه در بیمارستان در